

ره توشه هائي از عيد فطر

<"xml encoding="UTF-8?">

فرا رسيدن روز مبارك عيد فطر، نويد بخش تحولاتي سرنوشت ساز در زندگي اهل ايمان است. چرا كه عيد فطر يكي از ايام الله، زمينه ساز وحدت كلمه براي مسلمانان و تقويت اتحاد و اراده آنان، تجديد حيات دوباره براي اسلام، دميدن روح ايمان و سرور و نشاط براي بندگان الهي، روز نمايش عظمت دين و بازگشت دوباره به فطرت انساني و بالاخره روز فتح و پيروزي در جهاد اكبر براي رهروان خداجوي مي باشد. در شب و روز عيد فطر، اهل ايمان از سوئي به شب زنده داري و نماز و دعا مي پردازند و از سوئي ديگر با زمزمه زيارت امام حسين (ع) با آن حضرت و مقاصد آسماني اش پيمان مجدد امضاء کرده و روح حماسه و عرفان و فداكاري را در وجودشان احياء مي كنند. اين اعمال معنوي آنان را براي پرواز در عالم ملكوت به همراه قدسيان آماده مي كند و آنان بدین وسيله از قيد و بند ماديّات و علاقه هاي بي ارزش رهائي يافته و با دلي سرشار از شوق ايمان و عشق به خدا زندگي نويني را آغاز مي كنند. چه زيباست كه تمام اقشار جامعه از اين فرصت به دست آمده در راه اعتلای كلمه حق و توسعه و ترويج معارف حياتبخش الهي بهره گرفته و خود را يك سال ديگر در پناه ايمان و مصونيت بيمه كنند. در آن روز مسلمانان با شوق وصف ناپذيري از عبادات و رياضات شبهاي ماه رمضان و شبهاي قدر و زيباترين لحظات ارتباط با خداوند فارغ شده و در اجتماع روز فطر صف مي كشند و اتحاد و يگانگي و برادري و همدلي خود را به نمايش گذاشته و بار ديگر دست رد به سينه شيطان و شيطان صفتان مي زنند و هم نوا با برادران ديني خود، پروردگار با عظمت را صدا کرده و توفيق در تمام كارهاي خير و دوري از تمام بدی ها رابه همراه حضرت محمد و آلش كه درود خدا بر آنان باد از درگاه خداوند درخواست مي كنند. در همين راستا به برخي از دستاوردهاي اين روز باشكوه اشاره کرده و روح و جان خویش را با آموختن درسهاي از آن صفا مي بخشيم به اميد اينكه ره توشه هائي را براي سلوك به سوي حق به دست آوريم.

در اجتماع بزرگ مسلمانان در روز فطر، مي توان پيامهاي مهم و حياتبخش اسلام را به گوش حاضرين رساند چرا كه برخي افراد فقط در چنين روزي فرصت راه يابي به مجالس مذهبي را پيدا مي كنند و در چنين فضائي آمادگي شنيدن مطالب معنوي و دستورات انسان ساز اسلامي را دارند. به همين جهت اميرمؤمنان علي (ع) در يكي از خطبه هاي خویش در روز عيد فطر بعد از حمد و ثنای الهي و فراهم نمودن زمينه پيامهاي آسماني به بيان مهمترين دستورات الهي پرداخته و اهم احكام كليدي را به نمازگزاران فطر مي آموزد در فرازهاي از گزارشي كه شيخ صدوق از بيانات اميرمؤمنان علي (ع) در خطبه عيد فطر آورده است چنين مي خوانيم : «انّ هذا اليوم جعله الله لكم عيداً و جعلكم له اهلاً فاذكروا الله يذكركم و ادعوه يستجب لكم؛ امروز را خداوند متعال براي شما عيد قرار داده است و به شما شايستگي آنرا عنايت فرموده پس شما هم به شكرانه آن خدا را ياد كنيد تا شما را ياد كند و او را بخوانيد تا شما را اجابت كند به يكي از مهمترين اعمال روز عيد فطر كه پرداخت زكات فطره است اشاره کرده و اهميت آنرا متذكر مي شود، چرا كه اگر زكات فطره از صورت پرداخت فردي به سمت بُعد اجتماعي آن سوق داده شود پشتوانه و سرمايه مهم اقتصادي در حلّ مشكلات مردم خواهد بود. ايجاد مراكز درماني، تأسيس كانون هاي علمي و صنعتي براي اشتغال زائي بيكاران جامعه، سرمايه گذاري براي مسائل بهداشتي و

عمران محیط زیست، تقویت بنیه دفاعی مسلمانان و حراست از مرزهای اسلامی، توسعه فرهنگ عمومی و دینی و ایجاد مؤسسات پژوهشی و تحقیقاتی برخی از دستاوردهای پرداخت زکات فطره در روز عید است که در صورت جمع آوری و مصرف صحیح این بودجه دینی به دست خواهد آمد.

ائمه جمعه و جماعات و مبلغان گرامی در صورت هدایت صحیح مردم و مخاطبین خویش در این زمینه توفیقات افزون تری را در امر تبلیغ خواهند داشت و در به وجود آوردن مراکز علمی، عمرانی و بهداشتی که نوعی باقیات صالحات است شریک خواهند بود؛ چه بسیار از عالمان متعهد و مبلغان پر تلاشی که از همین زاویه به توسعه و ترویج معارف عالی اسلام پرداخته اند. به همین جهت امیر مؤمنان مردم را به پرداخت دین شرعی خویش تشویق نموده و با یاد آوری اهمیت موضوع می فرماید: «وَأَدَّوْا فِطْرَتَكُمْ، فَإِنَّهَا سُنَّةُ نَبِيِّكُمْ وَ قَرِيبَةُ مِنْ رَبِّكُمْ فَلْيُؤَدِّهَا كُلُّ إِمْرٍ مِنْكُمْ عَنْهُ وَ عَنْ عِيَالِهِ كُلِّهِمْ ذَكَرَهُمْ وَ أَنْثَاهُمْ، صَغِيرِهِمْ وَ كَبِيرِهِمْ وَ حُرَّهُمْ وَ مَمْلُوكِهِمْ عَنْ كُلِّ إِنْسَانٍ مِنْهُمْ صَاعًا مِنْ بُرٍّ أَوْ صَاعًا مِنْ تَمْرٍ أَوْ صَاعًا مِنْ شَعِيرٍ؛ زکات فطره خود را که سنت پیامبرتان و فریضه واجبی از سوی پروردگارتان می باشد هر یک از شما از سوی خود و افراد تحت تکفل خود از زن و مرد، کوچک و بزرگ، آزاد و مملوک یک صاع گندم یا خرما یا جو پرداخت نمایند.»

علی (ع) در فراز دیگری از خطبه خویش به مهمترین دستورات الهی پرداخته و به مسلمانان یادآور می شود که: «اطيعُوا اللَّهَ فِيمَا فَرَضَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَ امْرُكُم بِهِ مِنْ اِقَامِ الصَّلَاةِ وَ اِيتَاءِ الزَّكَاةِ وَ حَجِّ الْبَيْتِ وَ صَوْمِ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ اَلَامِرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ الْاِحْسَانِ اِلَى نِسَاءِ كُمْ وَ مَا مَلَكَتْ اِيْمَانُكُمْ؛ در مواردی که خداوند بر شما واجب کرده و به انجام آن امر نموده است از فرمان خداوند اطاعت کنید، از بپا داشتن نماز، پرداخت زکوة، زیارت خانه خدا، روزه ماه رمضان، امر به معروف و نهی از منکر و نیکی و احسان به همسران و زیردستان خود. مولای متقیان باتذکر زشتی برخی گناهان کبیره اضافه می کند که: «وَ اطيعُوا اللَّهَ فِيمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ مِنْ قَذْفِ الْمُحْصَنَاتِ وَ اِيتَانِ الْفَاحِشَةِ وَ شَرِبِ الْخَمْرِ وَ بَخْسِ الْمَكْتَالِ وَ نَقْصِ الْمِيزَانِ وَ شَهَادَةِ الزُّورِ وَ الْفِرَارِ مِنَ الزَّحْفِ؛ (1) ای مردم! خدا را در مورد چیزهایی که شما را نهی کرده اطاعت کنید و از انجام آن دوری گزینید که از جمله نسبت ناروا به زنان شوهر دار و آبرومند، انجام اعمال زشت همچون فحشا و شرب خمر، کم فروشی در معاملات، گواهی باطل و دروغ و فرار از میدان نبرد از مقابل دشمن است.

برخی از مردم عید را به معنی نشاط و شادی ظاهری دانسته و با پوشیدن لباسهای نو و رنگارنگ و با تدارک غذاهای متنوع و شیرینی و شربت و گفتن و خندیدن و سیاحت و تفرج بی محتوا خود را سرگرم می کنند. در حالی که عارفان با بصیرت و اولیاء خاص الهی با چشم دل به عید نگریسته و زوایای معنوی آنرا جستجو می کنند. بخشی از کوششهای مردان الهی در ایام عید بعد اجتماعی دارد که در حل مشکلات برادران دینی، رسیدگی به نیازمندان و محرومان و گرفتاران، شاد و مسرور ساختن برادران و خواهران دینی، کمک به مستضعفان فکری جامعه و اهتمام به مسائل عمومی و مبتلا به مسلمانان جلوه می کند چرا که آنها بر این باورند که علی (ع) در مورد ویژگیهای مردان الهی فرموده است: «نَفْسُهُ مِنْهُ فِي عَنَاءٍ وَ النَّاسُ مِنْهُ فِي رَاحَةٍ اَتَعْبُ نَفْسَهُ لِآخِرَتِهِ وَ اِرَاحَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ؛ (2) نفس او از دستش در رنج و ناراحتی است اما مردم (بخاطر خدماتی که او انجام می دهد) از او در آسایش اند. او برای (رسیدن به درجات عالی در روز) قیامت خود را به زحمت می افکند ولی مردم را به رفاه و آسایش می رساند.»

و برخی دیگر از فعالیت های اهل ایمان مربوط به ارتباط خود و خدایشان است، آنان از آنجائی که در طول ماه مبارک رمضان با زحمات شبانه روزی خود بر شیطان نفس تسلط یافته و در جهاد بزرگ به پیروزی نائل شده اند

روز عید فطر را به شکرگزاری و ارتباط نزدیکی با پروردگارشان می‌گذرانند : حضرت امام خمینی در این مورد سخنان قابل توجهی ارائه کرده و می‌فرماید : البته عیدهای که اسلام تأسیس فرموده است به حسب نظرهای مختلفی که اهل نظر دارند و بحسب قشرهای مختلفی که برخورد می‌کنند برداشتهای مختلفی وجود دارد. آن برداشتی که اهل معرفت از عید می‌کنند، با آن برداشتی که دیگران می‌کنند بسیار متفاوت است. آنها بعد از اینکه در ماه مبارک رمضان آن ریاضتها را می‌کشند و کشیدند، روز عید روز لقای آنهاست لقاء الله است آن روز برای آنها «الغیرک من الظهور ما لیس لک؛ (3) خدایا! برای غیر تو چه ظهوری هست که برای تو نیست؟!» آنها همه چیز را از او می‌دانند و آن روز را عید می‌کنند برای اینکه بعد از ریاضات یوم ورود به حضرت است. و در عید قربان نیز بعد از اینکه تمام عزیزانشان را از دست دادند، مهیا برای ملاقات می‌شوند، بعد از اینکه نفس خودشان را کشتند و هرچه عزیز است در راه خدا از آن گذشتند آن وقت است که روز لقاء است و جمعه هم در اثر اجتماعاتی که مسلمین با هم دارند، اهل معرفت مهیا می‌شوند برای لقاء الله. پس برداشت آنها غیر از برداشت ماست و ما امیدواریم که به تبع اولیاء خدا به جلوه ای از آن جلوه ها برسیم و ذره ای از آن معارف در قلب ما واقع بشود. (4)» به همین جهت حضرت امام مجتبی (ع) هنگامی که مشاهده کرد عده ای از مردم در روز عید فطر مشغول لهو و لعب و خنده هستند خطاب به یارانش فرمود : خداوند متعال ماه رمضان را معیار آزمایش مردم قرار داده است که در آن مردم برای کسب مقامات معنوی و بهشتی مسابقه می‌دهند عده ای در این مسابقه برنده شده و برخی دیگر از کسب این مقامات باز می‌مانند.

کمال شگفتی است از کسی که بی خبر از نتیجه این مسابقه به خندیدن و خوشگذرانی مشغول است به خدا سوگند! اگر پرده ها کنار رود نیکوکاران به نتایج نیکو رفتاری خود مشغول بوده و بدکاران گرفتار اعمال بد خود هستند. (5)

شوق دیدار یار از برجسته ترین و به یادماندنی ترین ساعات روز عید فطر لحظاتی است که منتظران راستین ظهور حضرت ولی عصر (عج) آرزوی دیدار آن حضرت را کرده و در فراقش با دلی مملو از امید اشک حسرت می‌ریزند. آنان به یاد سخن حضرت باقر (ع) می‌افتند که فرمود : «ما مِنْ یَوْمٍ عَیدٍ لِلْمُسْلِمِینَ أَضَحَّیَّ وَ لَا فِطْرٍ إِلَّا وَ هُوَ یُجَدِّدُ اللَّهُ لَآلِ مُحَمَّدٍ (ع) فِیهِ حُزْنًا قَالَ قُلْتُ وَ لِمَ ذَلِکَ قَالَ إِنَّهُمْ یَرَوْنَ حَقَّهُمْ فِی أیدی غَیْرِهِمْ؛ (6) هیچ عید فطر و قربان نیست که با آمدن آن غم و اندوه آل محمد (ص) تجدید می‌شود راوی گفت : چرا در روز عید غمگین می‌شوند؟ امام فرمود : زیرا آنان حق خود را در دست دیگران می‌بینند و از اینکه افراد غیر شایسته بر جایگاه رهبری امت قرار دارد و امام راستین هنوز ظهور نکرده است که حکومت عادلانه و سایه پر از عدل و داد خود را بر مردم بگسترانند، غمگین و ناراحتند.

به همین جهت یکی از رایجترین اعمال این روز که اولیاء خدا و عارفان واصل به آن اهتمام خاص دارند زمزمه دعای ندبه در روز فطر است که دردمندانه و عاشقانه با امام زمان (ع) نجوا می‌کنند : «هل الیک یا بن احمد سبیل فتلقی...متی ترانا و نراک و قد نشرت لواء التّصرتی...».

این ابیات مولوی تا حدودی بیانگر راز دل ندبه خوانان عید فطر است که به مولای خویش عرضه می‌دارند :

در هوایت بی قرارم روز و شب / سر زپایت بر ندارم روز و شب ای مہار عاشقان در دست تو / در میان این قطارم
روز و شب تا که بگشایم به قنندت روزه ام / تا قیامت روزه دارم روز و شب چون زخوان فضل روزه بشکنم عید /

باشد روزگرم روز و شب جان روز و شب ای جان / تو انتظارم، انتظارم روز و شب تا بسالی نیستم موقوف عید / بامه تو عید دارم روز و شب زآن شبی که وعده کردی روز وصل / روز و شب را می شمارم روز و شب بس که کشت مهر جانم تشنه است / زابر دیده اشک بارم روز و شب

عارف وارسته حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی در این مورد در کتاب ارزشمند المراقبات (7) می نویسد : بر مؤمن راستین شایسته است امروزه غیبت آن حضرت و غصب حکومت آن حضرت توسط دشمنان، سختی حال شیعیان و رعایای او را در دست کافران و فاجران بنگرد و ببیند که به آنان از قتل نفوس و هتک آبرو و غصب اموال و بدی حال و مقام خواری و ابتذال چه می رسد بایستی خوشحالی او به اندوه زیاد و خنده او به گریه و عید او به ماتم مبدل گردد و به خواندن دعای ندبه بسان زن بچه مرده ای بگرید و فرج او را از خدا بخواهد... باری چون خواستی برای نماز عید بیرون روی که با امامی نمازگزاری یا خودت امام جماعت شوی برتست که از مصیبتی که برای غیبت امام خودت بر تو وارد شده است غافل نباشی، زیرا نماز عید حق خاص اوست و آن از مقامات معروفه اوست. پس بنگر حال به چه منوال گشته است که نماز با امام به نماز تو و امثال تو مبدل شده است و به زمان حضور آن حضرت و اجتماع مؤمنان به نماز او و نمازشان با او تفکر نمایی و در پیش خویش میزان بگیر که چون برای مؤمن خطیب، امام او باشد و سخنش را بشنود و از علومش فرا گیرد حال او چگونه خواهد بود؟! و به آنچه از برکات و انوار زمان حضور آن بزرگوار و نشر عدالت و محوجور و ضلالت و عزت اسلام و حرمت قرآن و رواج ایمان و تکمیل عقول و تزکیه قلوب و تحسین اخلاق و رفع شقاق و دفع نفاق و نظر کن و با صدای بلند خود او را ندا ده و به زبان شوق خویش به ساحت مقدس عرضه بدار : ای زاده احمد! آیا راهی به سوی تو هست که ملاقات شوی؟...ای آقای من :

و تلافی ان کان فیه اُتلافي بک عَجَل به جعلت فداکا
اگر تلف شدن من در رسیدن به تو باشد، در آن شتاب کن فدای تو شوم.
و بما شئت في هواک اختبرني فاختياري ماکان فیه رضاکا
و به هرچه بخواهی در راه عشق خودت مرا آزمایش کن که آنچه را که رضای تو در آن است انتخاب می کنم.
بجمال حجبته بجلال هام واستعذب العذاب هناکا
قسم به جمال خودت که از او پوشیده ای و جلال خودت که او را سرگردان ساخته ای و در کوی تو عذاب را شربت گوارا می داند.

ذات قلبي فأذن له يتمنّا ک فیه بقيّة لرجاکا
دل من آب شد پس به او اجازه بده که ترا آرزو کند، در این قلب نیم رمقی برای امید و تمناي تو هست.
بنابراین درخواست برقراری دولت کریمه حضرت مهدی (عج) بهترین پاداش و عیدی است که می توان در روز عید فطر از خداوند متعال آن را درخواست نمود.

سیدبن طاووس در ضمن اعمال روز عید از امام باقر (ع) نقل می کند : هنگامی که از منزل خارج شده و به سوی نماز عید می روی دعای اللهم من تهیّا را می خوانی و هنگامی که به نام مبارک حضرت صاحب الزمان (ع) رسیدی با آرزوی تحقق وعده الهی و استقرار حکومت عدل مهدوی (ع) می گویی : «اللهم افتح لنا فتحاً یسیراً و انصره نصرّاً عزیزاً...اللهم انا نرغب اليک في دولة کریمه تعزّ بها الاسلام و اهله و تذلّ بها النفاق و اهله...؛ (8) خداوند! برای ما فتح آسان عنایت فرما و آن حضرت را با نصرتی عزتبخش یاری نما، پروردگارا! ما خواهان ایجاد دولت کریمه ای هستیم که با آن به اسلام و مسلمانان عزت بخشیده و جبهه نفاق و اهلش را به خاک مذلت بنشانی ...

درسي از امام صادق (ع) از آموزنده ترين فرازهاي زندگي امام صادق (ع) حادثه اي شنيدني است که در عيد فطر اتفاق افتاد ماجرا از اين قرار بود که ابوالعباس سفاح، اولين خليفه عباسي در هنگام خلافت خويش در بغداد، روزي امام صادق (ع) را به مرکز خلافت خود احضار کرد. او به دنبال فرصتي مي گشت تا آن حضرت را به شهادت برساند تا اينکه وي آخرين روز ماه مبارک رمضان را عيد فطر اعلام کرد. آن روز هنگامي که حضرت صادق (ع) در منطقه حيره بر او وارد شد خليفه از او پرسيد : اي ابا عبدالله! نظر تو راجع به روزه امروز چيست؟ امام صادق با بهره گيري از آيه تقيه که مي فرمايد : «لَا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ اَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ اِلَّا اَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقِيَةً وَ يَحْذَرُكَمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَ اِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ» (9) افراد با ايمان نبايد به جاي مؤمنان، کافران را به دوستي بگيرند و هر کس چنين کند، هيچ رابطه اي با خدا ندارد مگر اينکه از آنان به نوعي تقيه کنيد و خداوند شما را از عقوبت خود بر حذر مي دارد و بازگشت همه به سوي خداست. و با پيروي از اجداد طاهرين خويش تقيه نموده، و به سفاح فرمود : اين مربوط به پيشواي مردم است، تو اگر روزه بگيري، من هم روزه مي گيرم و اگر افطار کني من هم افطار خواهم کرد. در اين هنگام سفاح به غلام خود دستور داد تا سفره غذا را بچيند و امام صادق (ع) به همراه او غذا خورده و روزه اش را شکست با اينکه مطمئناً مي دانست آن روز از ماه رمضان است و عيد فطر نيست. آن حضرت در توضيح عمل خويش به ياران نزديکش فرمود : «وَاللَّهِ اِنَّهُ يَوْمٌ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ فَكَانَ افْطَارِي يَوْمًا وَ قِضَاؤُهُ اَيْسَرُ عَلَيَّ مِنْ اَنْ يَضْرِبَ عُنْقِي وَ لَا يَعْصِدُ اللَّهُ ؛ (10) به خدا سوگند آن روز از ماه رمضان بود و يك روز شکستن روزه ماه رمضان (بخاطر تقيه و حفظ دين) و اداي قضاي آن براي من آسانتر از اين است که کشته شوم و خدا عبادت نشود.»

حضرت صادق (ع) با اين تدبير الهي توطئه خليفه ستمگر را خنثي نموده و به شيعيان درسي ديگر آموخت. آن حضرت در اين روايت ضمن تأکيد بر اصل قرآني تقيه، به فلسفه آن نيز اشاره مي فرمايد که تقيه براي حفظ دين است نه براي حفظ زندگي افراد.

و اضافه مي کند که اگر من بخاطر حادثه اي کوچک کشته شوم دين الهي از من رفته و عبادت و اطاعت از خداوند متعال به فراموشي سپرده خواهد شد.

سيره تربيتي امام سجاد (ع) در عيد فطر با مروري کوتاه به سيره تربيتي ائمه اطهار (ع) در مي يابيم که آن بزرگواران از ماه مبارک رمضان به عنوان يك دانشگاه تربيتي بهره گرفته و با پرورش شاگردان و انسانهاي با استعداد در روز عيد فطر هدايا و جوایز مادی و معنوي به آنان عطا مي کردند و به اين ترتيب اين ماه را به يك آموزشگاه و کلاس پرورش روح و جسم و اخلاق تبديل نموده و به پرورش يافته گان اين مکتب در محدوده وسع و اختياراتش نسبت به شايستگي افراد، عطايائي در نظر گرفته و آنان را تشويق مي کردند. در اينجا گوشه اي از سيره تربيتي و آموزنده امام سجاد (ع) را به روايت سيد بن طاووس مي خوانيم :

امام صادق (ع) فرمود : شيوه حضرت علي بن الحسين (ع) در ماه رمضان چنان بود که هرگاه غلامان يا کنيزان آن حضرت خطايي را مرتکب مي شدند آنان را تنبيه نمي کرد. آن حضرت فقط خطاها و گناهان آنان را در دفترتي ثبت کرده و تخلفات هر کس را با نام و موضوع مشخص مي نمود. در آخر ماه همه غلامان و کنيزان را جمع کرده و در ميان آنان مي ايستاد. آنگاه از روي نوشته تمام کارهاي خلاف آنان را که در طول ماه رمضان مرتکب شده بودند برايشان گوشزد مي کرد و به تک تک آنان مي فرمود : فلاني تو در فلان روز و فلان ساعت تخلفي کردي و من ترا تنبيه نکردم! آيا به ياد مي آوري؟ مي گفتم : بلي اي پسر رسول خدا!!

و تا آخرین نفر این مطالب را متذکر می شد و آنان به اشتباهات و خطاهای خود اعتراف می کردند. آنگاه به آنان می فرمود : «ارفعوا اصواتکم و قولوا یا علی بن الحسین! انّ ربّک قد احصی علیک کلّما عملت کما احصیت علینا کلّما قد عملنا و لدیه کتابٌ ینطق علیک بالحقّ لایغادر صغیرَةً و لا کبیرَةً ممّا اتیت الاّ احصاها و تجد کلّما عملت لدیه حاضرًا...؛ با صدای بلند بگوئید : ای علی بن الحسین! پروردگارت تمام اعمال و رفتار تو را نوشته است چنانکه تو اعمال ما را نوشته ای نزد خداوند نامه اعمالی هست که با تو به حق سخن می گوید و هیچ عمل ریز و درشتی را فروگزاری نمی کند و هرچه انجام داده ای به حساب آورده و تمام آنچه را که انجام داده ای نزد او حاضر و آماده خواهی یافت، چنانکه ما اعمال خود را در نزد تو آماده و ثبت شده دیدیم. پس ما را ببخش همچنانکه دوست داری خدا تو را ببخشد. ای علی بن الحسین! به یاد آر آن حقارت و ذلّتی را که فردای قیامت در پیشگاه خدای حکیم و عادل خواهی داشت. آن پروردگار عادل و حکیمی که ذرّه ای و کمتر از ذرّه ای به کسی ظلم و ستم روا نمی دارد و اعمال بندگان را همچنانکه انجام داده اند به آنان عرضه خواهد کرد و حساب و گواهی خدا کافی است ... ببخش و عفو کن تا پادشاه روز قیامت از تو عفو کرده و درگذرد چنانکه خودش در قرآن می فرماید : «ولیعفو و لیصفحوا الا تحبّون ان یغفر الله لکم واللّٰه غفورٌ رحیمٌ» (11) باید ببخشند و درگذرند. آیا دوست ندارید خداوند شما را بیامرزد؟ او خداوند آمرزنده و مهربان است.

امام سجاد (ع) این کلمات را برای خویش و غلامان و کنیزانش تلقین می کرد و آنان با هم تکرار می کردند و خود امام (ع) که در میان آنان ایستاده بود و می گریست و با لحنی ملتمسانه می گفت : «ربّ انّک امرتنا ان نعفو عمّن ظلمنا فقد ظلمنا انفسنا فنحن قد عفونا عمّن ظلمنا کما امرت فاعف عنا فانّک اولی بذلک منّا و من المأمورین...؛ پروردگارا، تو به ما فرمودی از ستمکاران خویش درگذریم و ما برآستی بر خود ستم کرده ایم. همان طور که فرمودی، ما از کسانی که ستم کرده اند درگذشتیم، تو هم از ما درگذر که تو در عفو کردن از ما و از ماموران برتری. تو به ما فرمودی سائلی را از درگاه خود محروم نکنیم و هم اکنون ما سائلان و گدایان در آستانه در خانه ات زانو زده و احسان و عطای تو را می طلبیم، بر ما منت بگذار و محروممان نگردان، که تو در این کار شایسته تر از ما و از مأموران هستی. خدایا! من اکرام کردم تو هم به من اکرام کن و با اهل نعمت و مغفرت محشور نما ای صاحب احسان و کرامت.

پس از این برنامه عرفانی حضرت سجاد (ع) خطاب به غلامان و کنیزان خویش می فرمود : من شما را عفو کردم، آیا شما هم من و بدرفتاریهای مرا که فرمانروای بدی برای شما و بنده فرومایه ای برای فرمانروای بخشاینده عادل و نیکوکار بودم، بخشیدید؟! همگی یکصدا می گفتند : با اینکه ما از تو جز خوبی ندیده ایم ترا بخشیدیم. آنگاه به آنان می فرمود : بگوئید خداوندا! از علی بن الحسین درگذر! همان طور که او از ما در گذشت، او را از آتش جهنم آزاد کن همان طور که او ما را از بردگی آزاد کرد. آنان دعا می کردند و امام سجاد (ع) هم آمین می گفت. و در پایان می فرمود : بروید، من از شما در گذشتم و آزادتان کردم به امید اینکه خدا نیز از من درگذرد و آزادم کند. در روز عید فطر چندان به آنها جایزه و هدایا می بخشید که از دیگران بی نیاز می شدند. هر سال در شب آخر ماه مبارک رمضان در هنگام افطار حدود بیست بنده آزاد می کرد و می گفت : «انّ لله تعالی فی کلّ لیلَةٍ من شهر رمضان عند الافطار سبعین الف عتیقٌ من النار کلاًّ قد استوجبوا النار؛ خداوند متعال در هر شب ماه مبارک رمضان هفتاد هزار کس را از آتش جهنم آزاد می کند که همگی مستحق عذاب بوده اند آن حضرت هیچ بنده ای را بیش از یک سال به بندگی نمی گرفت. هرگاه کسی را در اول سال و یا در وسط آن مالک می شد در شب عید فطر آزاد می کرد. این عمل روش هر ساله او بود. بندگان سیاه را که هیچگونه نیازی به آنان نداشت می خرید و در

عرفات بعد از مراسم عرفه همه را آزاد ساخته و هدایای قابل توجهی را به آنان عطاء می کرد. (12)

با توجه به این روایت نسبتاً طولانی در می یابیم که رهبران الهی و پیشوایان معصوم ما چقدر در ترویج فرهنگ اسلامی و آموختن آن به انسانهای تشنه معرفت تلاش نموده و نه تنها در ماه رمضان و عید فطر در آزادی جسم آنان می کوشیدند بلکه افکار و اندیشه های آنان را نیز از بند جهل و غفلت و خرافه پرستی رها می ساختند و به دین گونه بود که تربیت یافتگان مکتب اهل بیت (ع) از پستی ذلت به اوج عزت می رسیدند و بردگان گرفتار به رهبران جامعه و عارفان خدا جوی مبدل می گشتند. که فهرست مفصلی از اینان را می توان در کتابهای رجالی، تاریخی و سیره مطالعه نمود.

پی نوشت ها :

1. من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 516.
2. نهج البلاغه صبحی صالح، خطبه 193.
3. فرازی از دعای عرفه.
4. صحیفه امام، ج 18، ص 395.
5. وسائل الشیعه، ج 7، ص 681.
6. تهذیب الاحکام، ج 3، ص 289.
7. المراقبات، ص 343.
8. اقبال الاعمال، ج 1، ص 476.
9. سوره آل عمران، آیه 28.
10. الکافی، ج 4، ص 82.
11. سوره نور، آیه 22.
12. اقبال الاعمال، ص 260.
13. رهبر آزادگان، ص 430.